



## آینده‌شناسی وهابیت در عربستان سعودی

مهدی براتی\*

### چکیده

وهابیت به‌عنوان مذهب اصلی و رسمی در عربستان سعودی در سال‌های اخیر، دچار تغییرات اساسی در تعالیم خود شده است. رشد و سرعت این تغییرات در سال‌های آینده قطعاً موجب افول وهابیت خواهد بود. سه علت اصلی برای تحقق افول وهابیت وجود دارد. ۱. تفریط‌گرایی: بر اساس فشارهای کشورهای غربی به عربستان و اتهام به افراط‌گرایی، اکنون عربستان برای رفع این تهمت، سعی دارد با تعبیر اعتدال‌گرایی، بسیاری از تعالیم وهابیت را نفی و از اجرای آن جلوگیری کند. ۲. غرب‌گرایی: پادشاهان سعودی، توسعه مملکت عربی را در گرو ارتباط و حمایت کشورهای غربی، خصوصاً آمریکا و بریتانیا می‌دانند. از این‌رو در مواردی که تعالیم وهابیت، مضر ارتباط و حمایت‌های غربی باشد آن را ترک می‌کنند. ۳. چشم‌انداز ۲۰۳۰، طرحی است که مورد پذیرش محمد بن سلمان می‌باشد و در صدد اجرای آن است. تحقق اهداف این طرح در گرو وضع قوانینی است که توسط شیوخ وهابی، حرام اعلام شده و اجرای آن به منزله نادیده‌گرفتن احکام وهابیت در آن مسائل خواهد بود. افول وهابیت به‌معنای استحاله می‌باشد و طی آن، وهابیت نفوذ خود در امور اجتماعی و حکومتی را به‌همراه دارد، ولی دچار تغییرات اساسی و ریشه‌ای در اندیشه و مذهب شده و تفاوت‌های بسیاری با حقیقت خود در سال‌های ابتدای دوره سوم وهابیت خواهد داشت.

**کلیدواژه‌ها:** وهابیت، افول، آینده وهابیت، آل سعود، وهابیت، اسلام معتدل، عربستان.

## مقدمه

وهابیت، مذهب اصلی و رسمی عربستان سعودی می‌باشد. این مذهب، توسط محمد بن عبدالوهاب بنیانگذاری شد و با پیمان میان او و محمد بن سعود<sup>۱</sup> زمینه گسترش و پراکندگی این آیین رقم خورد. این مذهب در طول سال‌ها با استفاده از امکانات مادی و حمایت‌های حکومتی توانست رشد و صعود را تجربه و تفکر خود را از عربستان به دیگر نقاط عالم، صادر کند؛ اما در سال‌های اخیر، تغییرات سیاسی و چشم‌اندازهای انتخاب‌شده توسط حاکمیت، موجب تأثیرات و تغییراتی در آیین وهابیت شده است. این نوشته در صدد برشماری عوامل و آینده‌شناسی افول وهابیت در عربستان سعودی است.

شناخت عوامل افول و انحطاط وهابیت از جامعه عربستان که مهد احیا و اصدار آن است، موجب می‌شود واکنش‌ها و سیاست‌های اندیشمندان و کشورهای مبارزه‌کننده با این تفکر، هدفمند و تقویت‌کننده این عوامل باشد و از آن در راستای مبارزه با تکفیر و مذاهب افراطی استفاده شود. مسئله دیگری که نیازمند شناخت است، معناشناسی مفهوم افول می‌باشد و باید به صورت دقیق، تعریف و بیان شود تا نسبت به افول که نهایت و سرانجام وهابیت در عربستان خواهد بود، تصویر و مفهومی دقیق وجود داشته باشد.

مؤلفین و محققین به صورت پراکنده به بخش‌هایی از عوامل و آینده‌شناسی افول وهابیت در عربستان پرداخته‌اند. ولی اثر مذکور به صورت متمرکز با استفاده از شواهد تاریخی و تحلیل‌های مناسب، مسئله افول وهابیت را به صورت منسجم بررسی کرده است. در این راستا می‌توان به چند اثر اشاره کرد از جمله:

۱. العیسی، احمد، اصلاح التعلیم فی السعودیة بین غیاب الرؤیة السیاسیة و توجس الثقافة الدینیة وعجز الإدارة التربویة: رسالت مؤلف در این کتاب، بررسی اصلاح آموزش در عربستان بوده که به صورت کافی به آن پرداخته است، ولی جایگاه آن در روند افول و تغییرات مذهب در عربستان به خوبی تبیین نشده است؛

۱. حسین بن غنام، تاریخ نجد، ص ۸۷.

۲. الرشید، مضاوی، تاریخ العربیة السعودیة بین القديم و الحدیث، کتاب مذکور در راستای هدف مؤلف، برای تألیف تاریخ عربستان سعودی از دوره اول تا دوره سوم و بررسی جریان‌های سیاسی و اتفاقات رخ داده، کاملاً موفق بوده است؛ اما آینده‌پژوهی مذهب در عربستان و تأثیر سیاست‌های کنونی در آن به چشم نمی‌خورد؛

۳. طاهری، سید مهدی، احمدوند، شجاع، «وهابیت و استمرار حاکمیت آل سعود»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ش ۴، زمستان ۱۳۹۴. اثر مذکور به صورت کامل به نقش مذهب در آل سعود و ایفای نقش آن در استمرار حکومت پرداخته است، ولی به جریان‌ها و اتفاق‌های معاصر و افول اشاره‌ای نکرده است.

### وهابیت در حکومت آل سعود

هم‌پیمانی محمد بن عبدالوهاب و محمد بن سعود،<sup>۱</sup> سنگ بنای تشکیل حکومت عربستان در سال‌های بعد با دو رکن مذهب و حاکمیت با نقش آفرینی خاندان آل شیخ و آل سعود شد. دو رکنی که برای تأسیس و حفظ این حکومت، سختی‌ها و لشکرکشی‌های متعددی را متحمل شده و هر دو، نقشی اصیل در تحقق اهداف یکدیگر داشته‌اند؛ اما مطالعه و دقت در متون تاریخی در سال‌های گذشته بر این حکومت، حکایت دیگری از دو رکن مذهب و حاکمیت ارائه می‌نماید. حکایتی که نشان می‌دهد در عرصه تعارض بین دیدگاه مذهب و خواسته حاکمیت، روال و منش اصالت طرفین منتفی و مذهب، فرع سیاست‌های حاکمیت می‌باشد. بر این اساس، مذهب در فضای تعارض یا به‌عنوان قوه‌ای توجیه‌گر و حجیت‌بخش به عملکرد حاکمیت یا عنصری متغیر و شناور برای تطابق با سیاست‌های حاکمیت خواهد بود.

تعاملات این دو رکن، نشان‌دهنده هم‌پیمانی راهبردی برای طرفین می‌باشد به صورتی که منافع و بقای هر کدام، متأثر از عملکرد دیگری است. از این رو جدایی کامل و انزوا برای هیچ کدام، امکان نخواهد داشت. فؤاد ابراهیم، نویسنده عرب این چنین به این مطلب

۱. حسین بن غنام، تاریخ نجد، ص ۸۷.

می‌پردازد:

ويظهر من سيرة العلاقة بين العلماء والحكام السعوديين أن ثمة تحالفا مصيريا غير قابل للفكك بين الوهابية والعائلة المالكة بما يجعل التلاحم بينهما ضرورة مشتركة، إذ إن بقاء أحدهما متوقف على بقاء الآخر والعكس صحيح، ما يجعل خيار التمسك بالوهابية من قبل العائلة المالكة خيارا إستراتيجية ومصيرية؛ از گذشته روابط بین علما و حاکمان سعودی این مطلب به دست می‌آید که هم‌پیمانی راهبردی، قابلیت ایجاد جدایی میان وهابیت و خاندان سعودی را ندارد؛ زیرا همبستگی میان آن دو ضرورتی مشترک بوده و بقای هر یک، متوقف بر بقای دیگری است و موجب می‌شود تا تصمیم حاکمیت بر تمسک به وهابیت یک تصمیم استراتژیک و راهبردی باشد.<sup>۱</sup>

جهت حائز اهمیت و مرتبط با خاستگاه این مقاله دیدگاه حکام آل سعود به وهابیت است. آنها همواره به دنبال کسب صفت شرعی از آیین وهابیت بوده‌اند و آن را به عنوان ابزاری برای تطهیر خواسته‌های خود می‌دانسته‌اند. بر این اساس به هنگام تقابل عملکرد حاکمیت با تعالیم مذهب یا باید در عرصه توجیه و تطهیر دینی فعال شود یا تعالیم مذهبی همسو با خواسته حکومت تغییر کند. این مطلب، حقیقتی آشکار در میان محققین درباره روابط حکومت و دین در عربستان سعودی می‌باشد. بر همین اساس فؤاد ابراهیم، محقق معاصر نیز به این مسئله به وضوح اشاره کرده و انگیزه مشروعیت‌بخشی حاکمیت آل سعود را این‌گونه بیان می‌کند:

تحصر هذه المدرسة دور العلماء في المشورة و تقديم النصح بناء علي الحديث النبوي «الدين النصيحة» .... وعلي ذلك يمكن القول ان ابن سعود أفاد من المدرسة الحنبلية لإكتساب الصفة الشرعية دونما أضرار، أو هواجس، أو مقابل؛ و يعود السبب في ذلك إلى أن الوهابية، إلى كونها المذهب الغالب في نجد كانت تمثل حركة دينية طهرانية منزوعة المضمون السياسي؛ مذهب حنبلي، جایگاه علما را بر اساس حدیث نبوی «دین خیرخواهی است» منحصر در مشاوره و خیرخواهی می‌داند.... بر این اساس می‌توان گفت محمد بن سعود برای کسب صفت شرعی بدون هیچ‌گونه ضرر یا مانع یا مقابله‌ای از مذهب حنبلی استفاده کرده و علت این

۱. فؤاد ابراهیم، السلفية الجهادية في السعودية، ص ۴۱.

مطلب برگشت به مذهب غالب بودن وهابیت در نجد دارد به صورتی که وهابیت، نقش آفرین یک حرکت دینی پاک‌کننده با مضمونی سیاسی زیبا بود.<sup>۱</sup>

تصمیمات حاکمیت عربستان به صورت کلی به دو دسته تقسیم می‌شود. این تصمیمات حاکمیتی یا مخالف یا غیر مخالف مذهب و آیین وهابیت می‌باشد. تصمیمات غیر مخالف بر اساس نظر مذهب، اتخاذ شده و موافق با آیین وهابیت است یا حداقل، مذهب، مخالف آن نمی‌باشد. هرچند تصریح به موافقت نکرده است یا این تصمیمات، مخالف نظر مذهب است و آیین وهابیت، دیدگاه مخالف با آن تصمیم حاکمیتی را دارد. برای مثال از جمله تصمیمات حاکمیت بر اساس تعالیم وهابیت تخریب مقامات ائمه اسلام علیهم‌السلام، اضرحة و مقابر قبرستان مکه،<sup>۲</sup> تخریب قبور ائمه بقیع علیهم‌السلام، همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و عباس عموی ایشان، خلیفه چهارم عثمان و بسیاری از صحابه و تابعین<sup>۳</sup> می‌باشد. قسم دوم تصمیماتی است که برگرفته از تعالیم وهابیت نبوده و مخالف آن می‌باشد، ولی سیاست‌ها، امنیت ملی، روابط بین‌الملل و... سبب شده تا حاکمیت، آن را اتخاذ نماید. در این گونه تصمیمات که از تفکر وهابیت اتخاذ نشده و علاوه بر آن مخالف دیدگاه این مذهب است، میان مذهب و حکومت، تقابلی رخ می‌دهد که به ناچار یک طرف باید از نظر خود منصرف شده و دیدگاهی موافق با طرف دیگر صادر کند. بررسی شواهد متعدد، نشان می‌دهد در این تقابل، همواره وهابیت، ملزم به صدور فتوای موافق با قرار حکومت است و آنجا دین و مذهب، فرع ریاست و پادشاهی می‌باشد. این گونه نظرات و آراء حکومت تا قبل از ولایتعهدی محمد بن سلمان، مصادیق متعددی داشته است، همانند: فتوا به ضد اخوان التوحید،<sup>۴</sup> فتوا به ورود نظامیان به حرم مقدس،<sup>۱</sup> فتوا به

۱. فؤاد ابراهیم، السلفية الجهادية في السعودية، ص ۵۱.

۲. «... قصور الملك تعرضت للنهب والسلب و دمرت جميع مقامات و أضرحة أئمة الإسلام الأولين في مقبرة مملی والأماكن الأخری، كما دمرت من قبل علی ید سعود الثاني». (فیلیبی، هاری سانت جون، تاریخ نجد و دعوة الشيخ محمد بن عبدالوهاب، ص ۴۵۱).

۳. آل سعود شیخ عبدالله بن بلهد را به مدینه فرستاد تا هدم و تخریب قبور بقیع را انجام دهد و او در تاریخ ۸ شوال ۱۳۴۴ این مأموریت خود را به پایان رساند. (علی الوردی، قصة الأشراف و ابن سعود، ص ۳۱۳ - ۳۱۲).

۴. جریان اخوان به رهبری فیصل الدویش در دوران زعامت عبدالعزیز بن عبدالرحمن موجب گسترش سرزمین و تحکیم موقعیت او گشت. (فیلیبی، هاری سانت جون، تاریخ نجد و دعوة الشيخ محمد بن عبدالوهاب، ص ۴۱۳). ولی چند سال بعد

## جواز حضور نظامیان خارجی.<sup>۲</sup>

البته دیدگاه حاکمیت عربستان به وهابیت به عنوان جزئی از مشروعیت دولت در دوران اخیر، متفاوت با سنوات ابتدایی و دوره اول وهابیت است و قطعاً از حرارت و شدت آن کاسته شده است، همان گونه که نویسنده کتاب ما بعد السلفية این چنین به آن اشاره می کند:

إن اللحظة التاريخية التي كانت السلطة تشعر فيها بحاجتها إلى السلفية كجزء من شرعية الدولة الدينية (الحالة السعودية) لا تبدو محافظة على نفس وهجها؛ همانا لحظه تاریخی که قدرت در آن احساس نیاز به سلفیت [وهابیت] به عنوان جزئی برای شرعیت دولت دینی (وضع دولت سعودی) می نمود به همان صورت سابق خود با حرارت باقی نمانده است.<sup>۳</sup>

بین اخوان و حاکمیت اختلافاتی رخ داد. (الکاتب، احمد، الفكر السياسي الوهابي، ص ۱۳۳). در نتیجه آن، حاکم کویت از حمایت اخوان منع و تازه سازترین سلاحها را به آل سعود اعطا نمود و هواپیماهایی برای تهاجم به اردوگاههای اخوان فرستاد و فیصل الدوبیش زعیم اخوان را که به کویت پناهنده شده بود، به آل سعود تحویل داد. (الکاتب، احمد، الفكر السياسي الوهابي، ص ۱۳۵). در این هنگام با وجود اینکه علمای وهابیت به جریان اخوان نزدیکتر از آل سعود بودند، ولی هنگامی که عبدالعزیز از آنها درخواست کرد تا فتوا به تمرد، خارجی بودن، غالی بودن و عدم اسلام اخوانیها بدهند جانب حکومت را گرفتند و به ضد اخوان، فتوا دادند. (الکاتب، احمد، الفكر السياسي الوهابي، ص ۱۳۵ - ۱۳۴).

۱. در جریان محاصره بیت الله الحرام توسط جهیمان بن محمد العتیبی و محمد بن عبدالله القحطانی و پیروانشان حکومت نتوانست این حصر را بشکند. از این رو تصمیم به دخالت نظامی گرفت؛ اما از آنجایی که این کار بر خلاف تعالیم وهابیت بود نیاز به اجازه و توجیه شرعی برای عملکرد خود داشت. بر این اساس از «إدارة البحوث العلمية والإفتاء» درخواست فتوا بر جواز حمله نظامی نمود و هیئت افتاء به ریاست شیخ عبدالعزیز بن باز فتوای مطابق با خواسته آنان را صادر کرد. «عمدات الحکومة إلى إستانفار العلماء...» (الرشید، مضاوی، مترجم: النعیمی، عبدالإله، تاریخ العریبة السعدویة بین القديم والحديث، ص ۱۶۷).

۲. پس از تصرف و اشغال کویت در سال ۱۹۹۰م توسط صدام حسین، عربستان نیز به شدت احساس خطر کرد به نحوی که حکومت برای حفظ امنیت و عدم سقوط درخواست کمک نمود. (الرشید، مضاوی، مترجم: النعیمی، عبدالإله، تاریخ العریبة السعدویة بین القديم والحديث، ص ۱۹۱). از آنجایی که حضور نظامیان آمریکایی به عنوان «الاستعانة بغير المسلمين» تلقی می شد با عقائد و تعالیم وهابیت تنافی داشت. (الرشید، مضاوی، مترجم: النعیمی، عبدالإله، تاریخ العریبة السعدویة بین القديم والحديث، ص ۱۹۲). بر این اساس حکومت بار دیگر نیازمند به توجیه شرعی و تغییر حکم از سوی علما گشت و بن باز مفتی اعظم وهابیت در عربستان فتوای موافق با نظر حاکمیت را صادر نمود: «... أما كما هو الحال بالمملكة من الاستعانة بالكفار لردع المعتدي وصد، سواء كان كافراً أو مسلماً عن بلاد الإسلام والمقدسات فهذا أمر مطلوب ولازم؛ لأنه لحماية المسلمين ورد الأذى عنهم، سواء كان كافراً أو مسلماً؛ اما اکنون درباره مملکت ما استعانت از کفار برای دفع و مقابله با تجاوزگران از کشورهای اسلامی و مقدسات است و فرقی نمی کند کافر یا مسلمان باشد و این امری مطلوب و لازم برای حمایت مسلمین و دفع اذیت از ایشان بوده و در آن فرقی میان مسلمان و کافر نیست». (عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، مجموع فتاوی العالمة عبدالعزیز بن باز، ج ۶، ص ۱۵۱).

۳. سالم، احمد، بسیونی، عمرو، ما بعد السلفية قراءة نقدية في الخطاب السلفي المعاصر، ص ۶۷۰.

بنابراین هرچند فرقه وهابیت و حاکمیت سعودی هر دو برای بقای خویش به یکدیگر نیازمند و جدایی این دو از یکدیگر امکان ندارد؛ اما دیدگاه هر کدام نسبت به دیگری نیز مهم است. آل سعود هیچ‌گاه تمایل به از دست دادن تأیید سیاست‌ها، برنامه‌ها و تصمیمات خود از جانب مذهب ندارد و آن را به منزله محلی برای شرعی‌سازی می‌داند. به همین دلیل در تمام اموری که حاکمیت، انجاز و اجرای آن را لازم دانسته، ولی دیدگاه وهابیت مخالف آن است. علمای وهابی و هیئت افتاء، ملزم به تأمین خواسته نهاد حاکمیتی، توجیه و شرعی‌سازی و صدور فتوا مطابق برنامه‌ها و تصمیمات آنها می‌باشند.

### عوامل افول وهابیت

شناسایی عوامل افول وهابیت برای تحلیل میزان رشد و توسعه و آینده‌پژوهی مذهب در عربستان امری ضروری است. عوامل افول وهابیت در عربستان رویکردهای جدید اتخاذ شده از جانب حاکمیت است. رویکردهایی متضاد با آیین وهابیت که کثرت و شدت آن موجب نقض و تغییر موارد بیشتری از اندیشه و تعالیم وهابیت خواهد بود. این رویکردها بیشتر در قالب سیاست‌ها و چشم‌اندازهای مطرح شده از سوی حاکمیت است.

#### ۱. تفریط‌گرایی

تعالیم وهابیت در افراطی‌گری، ترویج خشونت و تکفیر، چهره وهابیت و عربستان را به‌عنوان تروریست معرفی کرده و یک مانع اصلی برای پیشبرد اهداف محمد بن سلمان رقم زده است. دیوید گاردنر نویسنده سیاسی در نشریه فایننشیال تایمز در مقاله‌ای با عنوان «معامله دینی مانع اصلاح اقتصادی سعودی است» می‌نویسد: «مادامی که علاقه بین خاندان سعودی و وهابیت این‌چنین باشد، بعید است اصلاحات و طرح‌های محمد بن سلمان نتیجه بدهد و بسیار دشوار است که بتواند توسعه ایجاد نماید».<sup>۱</sup>

بر این اساس محمد بن سلمان برای رفع این مانع، ملزم است وهابیت را به‌عنوان یک مذهب معتدل، معرفی کرده و هرگونه افراطی‌گری و تندروی را نفی کند. عملی که

۱. به نقل از: مجلة الحجاز ۱۶۳، ص ۱۱.

بسیاری از تعالیم وهابیت را مردود و باطل خواهد شمرد. هر چند در کلمات محمد بن سلمان بارها از این مطلب به عنوان اعتدال گرایی و برگشت به اسلام حقیقی و گذشته وهابیت نامبرده شده است، ولی حقیقت امر تفریط در نقد و نقض تعالیم وهابیت می باشد.

أكد ولي العهد السعودي محمد بن سلمان أن بلاده بدأت تعو إلى الإسلام المنفتح على العالم، متوعدا أصحاب الأفكار المتطرفة بالتدمير الفوري، كما اعتبر أن هذه المواجهة لا تشكل تحدي... و أن حكومة بلاده اتخذت خطوات واضحة في الفترة الماضية بهذا الشأن، معتبرا أنها ستقضي على بقايا التطرف في القريب العاجل؛ وليعهد سعودی، محمد بن سلمان تأکید کرد که کشور شروع به برگشت به اسلامی با آغوش باز برای جهان نموده است و وعده نابودی صاحبان افکار سرکش را به صورت فوری داده است. همان گونه که این مقابله را غیر قابل تحدی و حریف طلبی لحاظ نمود... و اینکه حکومت کشورش گام های واضحی در زمان گذشته در این باره برداشته است و بیان داشت که در آینده ای نزدیک، باقیمانده افراط و سرکشی را نیز نابود خواهد کرد.<sup>۱</sup>

## ۲. غربگرایی

تمایل حکومت آل سعود به غرب بسیار زیاد است. آنها توسعه مملکت عربی را در گرو ارتباط و حمایت کشورهای غربی خصوصاً آمریکا و بریتانیا می دانند. آنها اعتقاد دارند آمریکا در شرایط سخت، حامی مهم و موفق برایشان بوده همانند جریان حمله صدام به کویت و حضور نظامیان آمریکایی برای حفاظت از عربستان. از این رو در صدد جلب نظر و خواسته آنها می باشند. برای مثال پس از آنکه حضور ۱۵ سعودی مهاجم در حادثه سپتامبر تأیید شد، ایالات متحده آمریکا درخواست تعدیل مناهج در عربستان را مطرح کرد که با استقبال ولیعهد، عبدالله بن عبدالعزیز آل سعود مواجه شد که در نتیجه آن، متون «ولاء و براء» به معنای دشمنی با غیرمسلمین که از اصلی ترین مفاهیم وهابیت

۱. سایت الجزیره، «ابن سلمان: سعود للإسلام المنفتح وندمر المتطرفين».

/ابن- سلمان - سعود- للإسلام- المنفتح- وندمر؛ 2017/10/24/ <https://www.aljazeera.net/news/arabic/2017/10/24/>

سایت عربی ۲۱، «كيف تفاعل مغردون مع تصريحات ابن سلمان عن مشروع نيوم».

/كيف-تفاعل- مغردون- مع- تصريحات- ابن- سلمان- عن- مشروع- نيوم. <https://arabi21.com/story/1043924>



است از متون درسی حذف شد.<sup>۱</sup>

هر چند این غربگرایی به دنبال دارنده اجراءات و تصمیمات مخالف و متضاد با اندیشه وهابیت بوده، ولی درنهایت موجب تسلیم علمای وهابی و ترک برخی مبانی خواهد بود. جلوگیری از نفوذ و اختیارات هیئت امر به معروف و نهی از منکر<sup>۲</sup> برای محدودسازی، یکی از بخش‌ها مهم وهابیت عربستان است. ساخت مجمع بررسی حدیث نبوی برای پاکسازی از نصوص و تفسیراتی که توجیه‌گر قتل و تروریست است.<sup>۳</sup> مسئله‌ای دیگر است که حاکمیت برای مقابله با افراطی‌گری، دست به آن زده است و روایات نصوص بسیاری را که سال‌ها مستند تکفیر وهابیت بوده است از حجیت خواهند انداخت، راندگی<sup>۴</sup> و شرکت در انتخابات توسط زنان،<sup>۵</sup> عملکرد دیگر حکومت برای توسعه نقش زنان در حکومت با تقلید از جوامع غربی می‌باشد. بازداشت عالمان وهابی<sup>۶</sup> نیز یکی از صریح‌ترین مقابله‌های حکومت با وهابیت است. بازگشایی سینماها و برپایی کنسرت‌ها<sup>۷</sup> که شاهد وعده‌دهی حکام و تحقق آن در عربستان هستیم نیز عادی‌سازی مسئله است که سال‌ها فتوای به حرمت آن صادر شده است، ولی اکنون روحیه غربگرایی حکام سعودی، سبب شده بدون توجه به احکام وهابیت آن را اجرا نماید. در مسئله غربگرایی، انگیزه تغییرات

۱. سایت العربی الجدید، «التعلیم فی السعودیة... تعدیل للمناهج وحملة واسعة لإقصاء مدرسين».

التعلیم - فی - السعودیة - تعدیل - للمناهج - وحملة - واسعة - لإقصاء - مدرسين. <https://www.alaraby.co.uk>

۲. سایت الجزیره، «لحیة فی خدمة الأمير، قصة تحول الدین فی السعودیة إلى بضاعة»

https://www.aljazeera.net/midan/reality/politics/۱/۱۱/۲۰۱۷/ما-بعد-الوهابیة-ملاح-الطلاق-بین-السعودیة-إلى-بضاعة/

۳. سایت الجزیره، «نیوم.. جزیره الأحلام فی السعودیة الجدیدة».

https://www.aljazeera.net/news/reportsandinterviews/۲۵/۱۰/۲۰۱۷-نیوم-جزیره-الأحلام-فی-السعودیة

السعودیة.

۴. همان.

۵. سایت بالعربیة، «الیوم تاریخی فی السعودیة، النساء یبدأن بالتسجیل للتصویت بالانتخابات».

https://arabic.cnn.com/middleeast/۲۲/۰۸/۲۰۱۵/saudi-arabia-women-voting.

۶. سایت dw، «رجل السعودیة القوی محمد بن سلمان یعد یاسلام وسطی ومعتدل».

a-رجل-السعودیة-القوی-محمد-بن-سلمان-یعد-یاسلام-وسطی-ومعتدل/ <https://www.dw.com/ar>

۴۱۰۹۳۷۵۲

۷. سایت عربی ۲۱، «السعودیة تعید فتح دور السینما بعد عقود من الحظر».

https://arabi۲۱.com/story/۱۰۵۵۶۸۴/السعودیة-تعید-فتح-دور-السینما-بعد-عقود-من-الحظر.

در حکومت و حاکمیت از طرف کشورهای غربی ایجاد می‌شود که این انگیزه، متفاوت با مسئله تعریط‌گرایی است. این موارد، تنها چند نمونه از تأثیر غرب‌گرایی و کسب رضایت آنها در مقابل اندیشه وهابیت است که امروزه شاهد آن هستیم. غرب نیز برای تغییر اصول سلفیه متمرکز شده و به واسطه حکومت برای تبدیل سلفیه به فرقه‌ای قابل استهلاک فشار وارد می‌آورد:

أكبر إشكالية تعاني منها السلفية حالياً أن الضغوط الغربية تجاه الأصولية الإسلامية بصفة عامة تنصب بالأساس على السلفية وتحاول أن تستخرج من السلفية الشريحة القابلة للإدماج؛ بزرگ‌ترین مشکلی که اکنون سلفیت از آن رنج می‌برد، فشارهای غربی است که به صورت فراگیری به سمت اصول اسلامی و به صورت اساسی بر سلفیت وارد می‌شود. این فشارهای غربی سعی دارد تا از سلفیه، گروهی قابل اصلاح و تغییر بسازد.<sup>۱</sup>

### ۳. چشم‌انداز ۲۰۳۰

چشم‌انداز ۲۰۳۰ یکی از برنامه‌های رسمی حکومت عربستان برای توسعه و رشد می‌باشد که جزئیات آن در ۲۵ آوریل ۲۰۱۶ توسط محمد بن سلمان، اعلام شد. ولی برخی مفاد یا لوازم تحقق این چشم‌انداز با تعالیم وهابیت، منافات دارد. در هر صورت، حکومت باید شیوخ وهابی را وادار به پذیرش و توجیه آن کند. «مجله الحجاز» به نقل از مجله ایکونومیست، تحقق اهداف این چشم‌انداز را در گرو وضع قوانین و اعمالی می‌داند که بسیاری از آنها توسط وهابیت، حرام اعمال شده است.

فإن السعودية في حاجة إلى فتح أسواقها أمام التجارة والاستثمار والزوار الأجانب و اعتماد القوانين الدولية للسلوك و المزيد من الشفافية و وضع المزيد من القوانين العلمانية و تضيف لكن الكثير من هذا يحرمه رجال الدين الوهابيون؛ همانا سعودی نیازمند گشایش بازارهای خود به روی تاجران و جذب سرمایه‌گذاری و توریست‌های خارجی و تصویب قوانین کشوری برای انجام شفافیت و کثرت آن و قراردادن قوانین سکولاری و ساختگی بیشتر است، ولی علمای وهابیت، بسیاری

۱. سالم، احمد، بسیونی، عمرو، ما بعد السلفية قراءة نقدية في الخطاب السلفي المعاصر، ص ۶۷۰.

از این موارد را حرام می‌دانند.<sup>۱</sup>

این سه عامل اصلی، رویکردهای جدید حاکمیت برای توسعه کشور و روابط عرصه بین‌الملل است که از جانب حاکمیت عربستان سعودی اتخاذ شده. تصمیمات و قرارداتی که در موارد متعددی، تنافی با آرا و انظار وهابیت به‌عنوان وهابیت عربستان داشته و بر اساس سیره به‌دست‌آمده، محکوم به تغییرات اساسی و ریشه‌ای خواهد بود.

### آینده‌شناسی افول وهابیت

اکنون با روشن شدن عوامل افول وهابیت لازم است تا نفوذ و تأثیرگذاری آن در روند افولی وهابیت نیز بررسی و تحقیق و مفهوم و تصویرسازی صحیحی درباره آن ارائه شود. به بیان دیگر، میزان تأثیر این عوامل در تغییر آیین وهابیت باید شناسایی شود. آینده‌شناسی افول وهابیت در عربستان، تحدید و تعیین گستره عوامل در تغییر آیین وهابیت می‌باشد. درحقیقت، مفهوم افول وهابیت، زمانی قابل تفسیر خواهد بود که دامنه تأثیر این عوامل در افول وهابیت شناسایی و مشخص شود تا چه اندازه سبب تغییر وهابیت و تعالیم آن خواهد گشت. این تغییرات می‌تواند به‌اندازه‌ای باشد که سبب نابودی کامل یا بخشی از وهابیت باشد. در تفسیر این گستره و مفهوم افول، سه احتمال اصلی انقراض، انزوا (سکولاریسم) یا استحاله مطرح است. در ادامه به تبیین دقیق هر کدام می‌پردازیم.

#### ۱. انقراض

انقراض وهابیت معنای اتمام وهابیت و تعالیم آن به‌عنوان تفسیری از اسلام و دچار شدن به عاقبت بسیاری از فرق اسلامی که در برهه‌ای از تاریخ وجود داشته و منقرض شده‌اند، خواهد بود. نابودی و فنای وهابیت به‌عنوان رشته وهابیت در عربستان، فرض اولی است که می‌توان بر اساس آن افول را تفسیر کرد؛ اما شواهد و قرائن، این فرض را مردود می‌داند؛ زیرا: ۱. حاکمیت، بقای خویش را متوقف بر این آیین و حمایت‌های عالمان از آن می‌داند؛

۱. (رؤیة) محمدبن سلمان بیون غریبة، عبدالحمید قدس، مجلة الحجاز، ۱۶۳، ص ۱۰.

۲. این تفکر با توجه به بسط و گسترش آن همیشه خواهد بود و نیستی آن، امری غیرممکن به نظر می‌رسد؛

۳. عوامل افول وهابیت که به آن پرداخته شد هرگز نتیجه‌دهنده این فرض نخواهد بود؛ زیرا در تمام آنها حاکمیت به دنبال کسب صفت شرعی و توجیه آن از جانب وهابیت می‌باشد و این به معنای عدم تمایل نهادهای حاکمیتی برای زوال آن است؛<sup>۴</sup> تحلیلگران اوضاع عربستان سعودی نیز هیچ‌کدام این فرض را صحیح ندانسته و به آن نپرداخته‌اند درحالی که فرض «سکولاریسم» و «استحاله»، قائلین خود را دارد.

## ۲. انزوا (سکولاریسم)

انزوای وهابیت به معنای جدایی دین از سیاست و به حاشیه رفتن دین در ابعاد اجتماعی و فقط فعالیت در مسائل شخصی است. بر این اساس حکومت عربستان دیگر خود را متعهد به رعایت و تبعیت از احکام وهابیت در مسائل حکومتی نمی‌داند و فراتر از ابعاد شخص برای آن بهائی قائل نیست. یوسف العتیبی سفیر امارات در واشنگتن این احتمال را صحیح می‌داند و در مصاحبه با شبکه آمریکایی (PBS) تصریح می‌کند سعودی به دنبال حکومتی سکولار است:

آن ما تریده الإمارات والسعودية والأردن ومصر والبحرين للشرق الأوسط هو  
حکومات علمانية؛ همانند آنچه امارت، سعودی، اردن، مصر و بحرین، خواهان  
آن برای شرق اوسط می‌باشند حکومت‌های سکولار می‌باشد.<sup>۱</sup>

این فرض نیز نمی‌تواند صحیح باشد؛ زیرا:

۱. همانند فرض قبلی به معنای فقدان رکن بقا و حامی برای حکومت خواهد بود و این

بسیار مورد اجتناب آنها است؛

۲. استقبال حاکمیت از علمای درباری و ارائه خدمات برای حضور وهابیت در عرصه

اجتماعی متناسب با سیاست‌ها حاکمیتی شواهدی هستند که انزوای مذهب در عربستان را مورد تردید قرار می‌دهند؛

۱. سایت الإمارات، «العتیبة یجدد مزاعمه: الإمارات تفضل العلمانية في الحكم».

<https://www.uae71.com/posts/.46984>

۳. تحقق این احتمال، موجب تقابل سنت‌گراهای مذهبی و نوگراهای سیاسی شده و اسباب اختلافات داخلی را رقم خواهد زد که در این صورت به‌عنوان یک تهدید برای حاکمیت، قلمداد خواهد شد. سببستیان زونس، پژوهشگر انجمن آلمانی برای سیاست‌های خارجی این‌چنین به این حقیقت اشاره می‌کند:

لولا الدعم الديني من الوهابيين لما حصلت العائلة المالكة على السلطة السياسية. وقد استمر هذا التحالف (بين الوهابية والعائلة المالكة) لعقود. لذلك فمن الصعب للعائلة المالكة الاحتفاظ بالسلطة السياسية إذا فقدت دعم رجال الدين؛ اگر حمایت‌های دینی وهابیت از خاندان سعودی نبود هرگز این خاندان به قدرت سیاسی دست پیدا نمی‌کرد. درحالی که پیمان (میان وهابیت و خاندان سعودی) برای دوره‌های مختلف استمرار یافته است. بر این اساس حفظ قدرت سیاسی برای خاندان سعودی در زمان از دست دادن حمایت علمای وهابی، بسیار مشکل است.<sup>۱</sup>

### ۳. استحاله

استحاله وهابی به‌معنای بقا و حفظ نفوذ در امور اجتماعی و حکومتی به همراه تغییرات اساسی و ریشه‌ای در اندیشه و مذهب است. تغییراتی که اتهامات متوجه عربستان از سوی جوامع بین‌المللی را دفع کند. استحاله فکری بهترین معنا برای افول وهابیت در عربستان می‌باشد و ترسیم‌کننده‌ای دقیق برای شناخت آینده وهابیت خواهد بود؛ زیرا حفظ رکن بقا و تغییر بر اساس خواسته‌ها به‌همراه پشتیبانی دینی بهتر از نابودی و انزوا است. این همان مطلبی است که تحلیلگران متعددی آن را متوقع دانسته و از کلمات محمد بن سلمان نیز قابل استفاده است.

سببستیان زونس، پژوهشگر انجمنی آلمانی برای سیاست‌های خارجی، اعتقاد دارد جدایی بین حاکمیت و مذهب امکان ندارد، ولی سیاست‌های حاکمیت منجر به اصلاحات ریشه‌ای در مذهب خواهد شد.<sup>۲</sup> نجات السعید، استاد دانشگاه زاید در دبی، نظام

۱. سایت الجزيرة، «لحیة فی خدمة الأمير، قصة تحول الدين فی السعودية إلى بضاعة».

۲۰۱۷/۱۱/۱ / ما-بعد-الوهابية-ملاحح-الطلاق-بین. / <https://www.aljazeera.net/midan/reality/politics/>

۲. «فإن الأمر لا يعني القضاء على الوهابية بل إصلاحها بشكل جذري». همان.

سعودی را نظامی دورگه که نه سکولار محض است و نه دینی محض می‌داند.<sup>۱</sup> این معنا از افول، مراد بسیاری از روزنامه‌نگاران و سایت‌های مختلف عربی است که با عناوینی مانند: «لحیة في خدمة الأمير... قصة تحول الدين في السعودية إلى بضاعة»؛<sup>۲</sup> «كيف تحول الدين إلى أداة سياسية في السعودية؟»؛<sup>۳</sup> «عودة السعودية للإسلام المعتدل.. طلاق بين آل سعود والوهابية؟»<sup>۴</sup> و «محمد بن سلمان يعد بمملكة متحررة ومعتدلة، ماذا عن الوهابية؟»<sup>۵</sup> به آن پرداخته‌اند.

در نتیجه تحلیل سه فرض مطرح شده، گستره موفقیت عوامل افول وهابیت، تنها در استحاله این آیین خواهد بود. استحاله‌ای که تغییرات اساسی و ریشه‌ای را برای مذهب در حکومت آل سعود پدید خواهد آورد.

## نتیجه‌گیری

مطالعه هدفمند و منضبط نقش مذهب در عربستان سعودی، نشان‌دهنده جایگاهی ابزاری و معبری برای وصول به خواسته‌های حاکمیت می‌باشد. البته در کنار این مسئله، آل سعود، تأسیس حکومت خویش را نیز مدیون وهابیت و استمرار آن را نیز در گرو حمایت آن می‌داند. پدید آمدن امور جدید مانند اعتدال‌گرایی، غرب‌گرایی و چشم‌انداز ۲۰۳۰ در سیاست‌های حاکم بر عربستان سبب شده تا وهابیت عربستان از دوران صعود و توفیق خود به دوران افول و تغییر، وارد شود. این افول می‌تواند به سه مفهوم انقراض، انزوا و

۱. سایت الحرة، «وتصف الأكاديمية السعودية في حديث لموقع الحرة طبيعة النظام السياسي في السعودية بـ النظام الهجين، لا هي علمانية ولا دينية».

<https://www.alhurra.com/a/saudi-women-secularism/394529.html>.

۲. سایت المدار برس، «ریش‌هایی در خدمت پادشاه... قصه تبدیل شدن دین در عربستان به یک کالا».

<http://www.almadarpres.net/newsDetail/cIa29UYgIP2ZasH2p4Gtpg==>.

۳. سایت الجزيرة، «چگونه دین به یک وسیله سیاسی در عربستان تبدیل گشت؟»

<https://www.aljazeera.net/blogs/2019/5/14/كيف-تحول-الدين-إلى-أداة-سياسية-في->

۴. سایت dw، «برگشت عربستان به اسلام معتدل، جدایی میان آل سعود و وهابیت؟».

<https://www.dw.com/ar/a-41112242/عودة-السعودية-للإسلام-المعتدل-طلاق-بين-آل-سعود-والوهابية/>

۵. محمد بن سلمان وعده به کشوری آزاد و معتدل می‌دهد، سرانجام وهابیت چیست؟».

<https://www.dw.com/ar/a-رجل-السعودية-القوي-محمد-بن-سلمان-يعد-بإسلام-وسطي-ومعتدل/>

.۴۱۰۹۳۷۵۲

استحاله تفسیر شود، ولی دو مفهوم اول به علت تنافی با دیدگاه و نقش مذهب در حکومت سعودی با چالش مواجه است و حتی در مراحل خطرآفرین و موجب اختلافات داخلی عمیق خواهد شد. در مقابل، مفهوم سوم مطابق شواهد و قرائن است و نوع خواسته حاکمیت به آن نزدیک‌تر می‌باشد. اکنون با پایان این تحقیق، شناسایی نقش‌آفرینان در افول وهابیت و بررسی و ارزیابی میزان تأثیر و موفقیت آنها در تحقق تغییرات اساسی، امری ضروری به‌نظر می‌رسد که باید به آن پرداخته شود.

## منابع

١. (رؤية) محمد بن سلمان بعيون غربية، عبدالحميد قدس، مجلة الحجاز، العدد: ١٤٣، ٢٠١٦/٥/١٥.
٢. حسين بن غنام، تاريخ نجد، تحقيق: ناصرالدين الأسد، بيروت: دار الشروق، چاپ چهارم، ١٤١٥ق.
٣. رشيد، مضاوى، تاريخ العربية السعودية بين القديم والحديث، تحقيق: النعيمي، عبدالإله، بيروت: دارالساقى، چاپ دوم، بى تا.
٤. سالم، احمد، بسيونى، عمرو، ما بعد السلفية قراءة نقدية في الخطاب السلفي المعاصر، بيروت: مركز نماء للبحوث والدراسات، چاپ اول، بى تا.
٥. عبدالعزيز بن عبدالله بن باز، مجموع فتاوى العلامة عبد العزيز بن باز، بى جا: المكتبة الشاملة، بى تا.
٦. على الوردى، قصة الأشراف و ابن سعود، بغداد: شركة الوراق، چاپ سوم، ٢٠١٣م.
٧. فؤاد إبراهيم، السلفية الجهادية في السعودية، بيروت: دار الساقى، چاپ اول، ٢٠٠٩م.
٨. فيلبى، هارى سانت جون، تاريخ نجد و دعوة الشيخ محمد بن عبد الوهاب، قاهره: مكتبة مديولى، چاپ اول، ١٤١٤ق.
٩. كاتب، احمد، الفكر السياسي الوهابي، قاهره: مكتبة مديولى، بى تا.
10. <https://www.alaraby.co.uk/portal>.
11. <http://uae71.com>.
12. <https://www.alhurra.com/>.
13. <https://www.aljazeera.net>.
14. <https://midan.aljazeera.net>.
15. <https://arabic.cnn.com>.
16. <https://arabi21.com>
17. <https://www.dw.com>.
18. <https://arabi21.com>.
19. <http://www.almadarpress.net>.
20. <https://www.dw.com>.